

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"
فرستنده: احمد پوپل
۰۶ جون ۲۰۲۵

بارون*

بارون میاد جر جر
گم شده راه بندر
ساحل شب چه دوره
آبش سیاه و شوره

ای خدا کشتی بفرست
آتش بهشتی بفرست
جاده کهکشون کو
زهره آسمون کو

چراغ زهره سرده
تو سیاهیا می گرده
ای خدا روشنی کن
فانوس راه منش کن

گم شده راه بندر
بارن میاد جر جر

بارون میاد جر جر
رو گنبد و رو منبر
لک لک پیر خسته
بالای منار نشسته.

«لک لک ناز قندی
یه چیزی بگم نخندی:

تو این هوای تاریک
دالون تنگ و باریک
وقتی که می پُریدی
تو زُهره رو ندیدی؟»

« - عجب بلای بیجه!
از کجا میای بیجه؟

نمی بینی خواب جوجه م
حالش خراب جوجه م
از بس که خورده غوره
تب داره مثل کوره؟

تو این بارون شر شر
هوا سیا زمین تر

تو ابرِ پاره پاره
زُهره چیکار داره؟

زهره خانوم خوابیده
هیچکی اونو ندیده...»

بارون میاد جَرَجَر
رو پُشتِ بون هاجر
هاجر عروسی داره
تاج خروس داره.

«هاجرک ناز قندی
یه چیزی بگم نخندی:

وَقْتِي حَنَا مِي دَاشْتِي
أَبْرُو تَو وَر مِي دَاشْتِي
زُلفاتو وا مِي كَرْدِي
خَالَتو سِيا مِي كَرْدِي

زُهره نِيومد تَماشَا؟
نَكُن اگِه دِيدي حاشَا...»

« - حوصله داري بچه!
مگه تو بيكاري بچه؟

دومادو الان ميارن
پرده رو وَر مِي دارن
دَسَمو مِي دَن به دَسَش
بَايد دَرا رو بَسَش

نمي بيني كار دارم من؟
دلِ بي قرار دارم من؟
تو اين هواي گريون
شَرشَرِ لوسِ بارون

كه شب سحر نمي شه
زُهره بدر نمي شه...»

بارون مياد جَرَجَر
رو خونه هاي بي در

چهار تا مرد بيدار
نشسته كُنچِ ديفار
ديفار گنده كاري
نه فرش و نه بخاري.

« - مَرِدا سلامُ عليكم!
زُهره خاتم شده گُم

نه لک لک اونو دیده

نه هاجر ور پریده

اگه دیگه برنگرده

او هو، او هو، چه درده!

بارون ریشه ریشه

شب دیگه صُب نمی شه. «

» - بچه خسه مونده

چیزی به صُب نمونده

غصه نخور دیوونه

کی دیده که شب بمونه؟-

زُهره تابون اینجاس

تو گره مُشتِ مرداس

وقتی که مردا پاشن

آبرا زِ هم می پاشن

خروس سحر می خونه

خورشید خانم می دونه

که وقتِ شب گذشته

موقع کارو گشته.

خورشید بالا بالا

گوشش به زنگه حالا.»

بارون میاد جَرَجَر

رو گنبد و رو منبر

رو پُشتِ بونِ هاجر

رو خونه های بی در...

ساحلِ شب چه دوره

آیشِ سیا و شوره

جاده کپکشون کو

زُهره آسمون کو؟

خروسکِ قندی قندی

چرا نوکتو می بندی؟

آفتابو روشنش کُن

فانوسِ راهِ منیش کُن

گُم شده راهِ بندر

بارون میاد جَرَجَر...

یادداشت:

این شعر کلاً به زبان گویش سروده شده، لذا ویراستاری نگارشی در آن به کار نرفته است. ادره پورتال